

چهره روز

سارکوزی به زندان رفت

گروه خبر: رئیس جمهور سابق فرانسه، برای گذراندن دوره پنج‌ساله محکومیت خود به زندان رفت. نیکولا سارکوزی، که از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ رئیس جمهور فرانسه بود، در دادگاه این کشور به خاطر دریافت کمک مالی از معمر قذافی، دیکتاتور لیبی در جریان مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۷ محکوم شد. زمانی که در ازای دریافت ۵۰ میلیون یورو پول از قذافی، به زدوبند سیاسی با او پرداخت. سارکوزی هنگام عزیمت به زندان گفت: «من می‌خواهم با قدرت تزلزل‌ناپذیری که دارم به مردم فرانسه بگویم این رئیس جمهور سابق یک جمهوری نیست که امروز صبح زندانی می‌شود؛ بلکه او یک مرد بی گناه است.» او همچنین به روزنامه فرانسوی تریبون گفت: «من از زندان نمی‌ترسم و با س‌ری بلند به آنجا می‌روم.» رئیس جمهور سابق فرانسه در سلول انفرادی نگه داشته خواهد شد.
اتصور که سیاستین کاول، رئیس زندان سانه اظهار داشت «او می‌تواند دوبار در روز به تنهایی به حیاط ورزش دسترسی داشته باشد و نیز به تنهایی می‌تواند به اتاق فعالیت‌ها دسترسی داشته باشد. او داخل سلول خود تنها خواهد بود.» او نخستین رهبر سیاسی فرانسه است که از زمان مارشال فیلیپ پتن همدست نازی‌ها پس از جنگ جهانی دوم روانه زندان می‌شود. بر اساس حکم قاضی، سارکوزی فقط از درون زندان می‌تواند درخواست تجدیدنظر خود را ارائه کند.

پول قذافی در ازای پوشاندن رد پای لیبی

مجله نیولاین در گزارشی از این پرونده نوشت: «لاشه هواپیما در سراسر شن‌های اخلایی صحرای تنره نیجر پراکنده بود - آلومینیوم‌های تاب‌خورده، چمدان‌های سوخته، و یک کفش تنها. هیچ‌کس زنده نماند. محققان فرانسوی هفته‌ها پس از سقوط هواپیمای مسافربری پرواز ۷۷۲ شرکت UTA در پرواز خود را انجامنا به پاریس در ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۹، بقایای این هواپیما را جست‌وجو کردند. تجزیه و تحلیل لاشه هواپیما وجود بمبی را که در چمدانی در قسمت بار پنهان شده بود، نشان داد که باعث شده بود هواپیما از وسط به دو نیم تقسیم شود و در صحرای بزرگ آفریقا سقوط کند. قطعاتی از یک تایمر که به اطلاعات لیبی برمی‌گشت، منجر به محکومیت غیابی شش تنبه لیبی در سال ۱۹۹۹، از جمله عبدالله السنوسی - برادرزن دیکتاتور لیبی و رئیس اطلاعات - به عنوان معز متفکر این حمله شد. برای خانواده‌های ۵۴ قربانی فرانسوی، این نوعی عدالت تلخ بود. آنها هرگز تصور نمی‌کردند که نام سنوسی دهه‌ها بعد دوباره مطرح شود؛ نه به عنوان یک فراری که سرانجام به محاکمه کشیده شد، بلکه به عنوان یک ابزار چانه‌زنی در ظهور سیاسی یک نامزد ریاست‌جمهوری فرانسه.» در ادامه این گزارش آمده است: «در ۲۵ سپتامبر، ۱۲ سال پس از آنکه ارتباطات نیکولا سارکوزی با رژیم لیبی برای اولین بار فاش شد، یک دادگاه جنایی پاریس، رئیس جمهور سابق فرانسه را به پنج سال زندان محکوم کرد. اتهام؟ توطئه با قذافی، از طریق سنوسی، برای تأمین بودجه جهت مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری موفق او در سال ۲۰۰۷، در ازای مشوق‌های دیپلماتیک و اقتصادی - و وعده لغو حکم بازداشت سنوسی. دادگاه حکم داد که به دلیل «شدت استثنایی» اقدامات او - که «اموجب تضعیف اعتماد شهروندان به نهادهای جمهوری می‌شود» - سارکوزی فقط می‌تواند از داخل زندان درخواست تجدیدنظر کند. این حکم، سارکوزی ۷۰ ساله را به اولین رئیس دولت فرانسه از زمان فیلیپ پتن، رهبر ویشی، تبدیل کرد که حبس واقعی روبه‌رو می‌شود.» نیولاین ادامه می‌دهد: «قضات حکم دادند که با ورود به مذاکرات مخفیانه با رژیم لیبی و اشاره به امتیازات قضایی برای سنوسی، اردوگاه سارکوزی زخم اخلاقی تازه‌ای بر آن خانواده‌ها وارد کرده است. آنها قربانیان سیاسی انتزاعی نبودند، بلکه افرادی بودند که عزیزان خود را از دست داده بودند و ده‌ها بعد متوجه شدند که با غم و اندوه آنها به عنوان یک نقطه مذاکره در جهت دستیابی به قدرت سیاسی بر‌خورد شده است.» در بخش پایانی گزارش آمده است: «در ۲۵ سپتامبر، دادگاه عدالت پاریس، رئیس جمهور سابق را به همراه گنان و هورتفو، به جرم توطئه جنایی مجرم شناخت. بر اساس این گزارش، تحقیقات نشان داد که سارکوزی «به همکاران نزدیک خود اجازه داده بود تا برای کسب یا تلاش برای کسب حمایت مالی» برای مبارزات انتخاباتی خود در سال ۲۰۰۷، به مقامات لیبی نزدیک شوند. دادگاه سارکوزی را از اتهامات جزئی‌تر فساد و اختلاس تبرئه کرد. اگر چه بازرسان مالی مدارکی دال بر انتقال حدود ۶/۵ میلیون یورو (۷/۶ میلیون دلار) و برداشت و گردش پول نقد غیرقانونی در ستاد انتخاباتی سارکوزی در سال ۲۰۰۷ و همچنین در دفتر حزبی یافتند، اما نتوانستند منشأ لیبیایی این‌پول را اثبات کنند. اما حتی بدون مدرکی دال بر اینکه میلیون‌ها دلار وعده داده شده لیبیایی به ستاد انتخاباتی سارکوزی رسیده است، قضات حکم دادند که صرف اقدام به چنین معامله‌ای، که شامل اشاراتی به تسهیل پرونده یک تروریست محکوم شده بود، خیانت به جمهوری است.»

عنوان راهبران، کارکنان فنی و... شبانه‌روزی و با تلاش بسیار در حال خدمت‌رسانی هستند و نباید زحمات آن‌ها نادیده گرفته شود.» آخوندی در پاسخ به این سوال که چرا تنها ۱۱ درصد بودجه به مترو تخصیص یافته است؟ تاکید کرد: «عدم تزریق نقدینگی کامل مربوط به همه‌بخش هاست. ۱۱ درصد به بودجه نقدی است، در حالی که شهرداری مبلغ زیادی از طریق برات کارت به پیمانکاران بهره‌برداری مترو پرداخت کرده است. شهرداری تهران بسیاری از طلب پیمانکاران را به صورت غیرنقد پرداخت کرده است. در گزارش نظارتی که آماده کردیم، این مباحث را در نظر گرفته‌ایم. به عنوان مثال در معاونت فنی و عمران شهرداری تهران نیز میزان پرداخت‌های نقد شهرداری بسیار کم است اما میزان پرداخت غیرنقدی نظیر واگذاری قبر، میلگرد، برات و سایر اقلام به پیمانکاران پرداخت شده است. اگر مجموع پرداخت‌های نقدی و غیرنقدی را محاسبه کنیم، میزان تحقق بودجه بیش از ۱۱ درصد است. به شهرداری گفتیم که بخش‌های حیاتی‌را در اولویت قرار دهند.» رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران در پاسخ به این سوال که در حال حاضر حمل و نقل عمومی در اولویت شهرداری قرار دارد یا خیر؟ گفت: «با توجه به مشکلات مالی که وجود دارد، فکر می‌کنم معاونت مالی تلاش خود را در این خصوص می‌کند اما حتما باید در بخش‌های حیاتی و زیرساختی مانند حمل‌ونقل عمومی تلاش بیشتری کند.»

ارائه کاریکاتور موفقیت به جای موفقیت

مهدی اقراریان، رئیس کمیته حقوق شهروندی و نظارت شورای شهر تهران درباره خرابی مترو گفت: «متأسفانه وقتی پیش‌بینی از وضعیت نداریم و به چالش‌های پیش‌روی مترو توجه نمی‌کنیم، به چنین شرایطی دچار می‌شویم. در ابتدای این دوره مدیریت شهری من و چند عضو دیگر شورای شهر در خصوص وضعیت و شرایط متروی تهران تذکراتی به شهردار تهران دادیم اما به‌نظر می‌رسد اولویت‌های آقای زاکانی با اولویت‌های شهروندان تهرانی و پایتخت متفاوت است و جنس اولویت‌ها از جنس بقای در عرصه سیاسی است تاحل مشکلات شهروندان تهرانی. این مشکل اساسی دوره‌فعالی مدیریت شهری است.» او با بیان اینکه مسئله‌ای که با آن مواجه هستیم به کارگیری مدیرانی است که عمر مدیریتی آن بسیار کوتاه است، افزود: «برخی از این مدیران پیش از حضور در شهرداری، سابقه روشن حضور در حوزه‌های مرتبط با مدیریت شهری ندارند. چالش‌های امروز مترو از این جنس است. اختصاص و صرف بودجه‌های شهرداری تهران برای کارهایی می‌شود که امکان ساخت گزارش بیشتری برای شهرداری نداشته‌باشد. بعضی معتقدند که هزینه بودجه برای مترو یعنی پول در زیرزمین هزینه شده که شهروندان آن رانمی‌بینند. به‌نظر می‌آید در این دوره مدیریت شهری، شهرداری بیشتر دنبال پروژه‌های رسانه‌ای است تا به جای موفقیت، کاریکاتوری از موفقیت را به شهروندان تهرانی نشان دهد. من به‌صراحت می‌گویم؛ با هزینه کرد بسیار در رسانه‌های وقت‌های‌شود کاریکاتور موفقیت را به جای موفقیت به جامعه ارائه کرد.»

زاکانی را به شورای شهر تهران فرامی‌خوانیم

ناصر امانی، رئیس کمیته منابع انسانی شورای شهر ضمن عذرخواهی از مردم به دلیل مشکلات اخیر در خطوط مترو و اتوبوس‌رانی، به هم‌میهن گفت: «ما واقعاً شرمندۀ ایم و از مردم عذرخواهی می‌کنیم. با این وضعیت در خطوط مترو و اتوبوس‌رانی مواجه هستیم و مردم هم می‌دانند که در این دوره تلاش زیادی کرده‌ایم تا حمل و نقل عمومی در اولویت قرار گیرد. هرچند شهرداری یک سال تأخیر داشت، اما از سال ۱۴۰۲ تاکنون (۱۴۰۳ و ۱۴۰۴) حدود ۵۰ درصد اعتبارات شهرداری به بخش حمل و نقل عمومی اختصاص دادیم. به اعتقاد من مترو خط اول حمل و نقل عمومی است و هر چقدر در مترو هزینه کنیم سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. چون وسیله‌ای انبوه‌تر، سریع و پاک بوده و دارای محاسن فراوان است. با این حال، اکنون با کمبود قطار مواجهیم و از ابتدای این دوره حتی یک رام قطار هم نتوانستیم وارد تونل‌های مترو کنیم.» او با اشاره به قرارداد خرید واگن از چین، تاکید کرد: «دل‌مان خوش بود که این قرارداد به نتیجه برسد و براساس قول‌هایی که شهرداری تهران داده، باید از ابتدای سال ۱۴۰۲ به بعد شاهد ورود چندرام قطار جدید در خطوط مترو باشیم، اما وعده‌ها به پایان اسمال موقوف شد است؛ آنهم برای یک رام قطار (۷ واگن). علت تأخیر هرچه باشد از نظر من قابل قبول نیست. باید ۱۵ درصد قرارداد ورود واگن از چین توسط دولت پرداخت می‌شد. دولت گذشته قول داد اما اجرایی نشد، اوایل این دولت هم قول دادند که این پیش‌پرداخت اجرایی نشد. شهرداری حدود ۹ درصد پیش‌پرداخت را پرداخت کرده و اعلام شده که ۶درصد باقی‌مانده آن نیز پرداخت شده اما ما مطمئن نیستیم که این اتفاق افتاده باشد. قبول داریم که گشایشی درباره واگن و قطارهای مترو ایجاد نشده است. این درخواست اصلی مردم است و متأسفانه مردم قشرده و مثل کتاب از مترو استفاده می‌کنند. توقف زیاد و سرفاصله‌های طولانی قطارها باعث نارضایتی مردم شده است.» رئیس کمیته منابع انسانی شورای شهر درباره مشکلات بودجه مترو نیز بیان کرد: «گزارشی که توسط آقای تشکری درباره بودجه شرکت بهره‌برداری مترو ارائه شد، حاکی است که تنها ۱۱ درصد از بودجه اختصاص یافته است. البته شهرداری مدعی خریده‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی است که به حساب مترو می‌گذارد، اما رئیس کمیسیون حمل و نقل شورای شهر تاکید کرده‌اند که از اعتبارات شرکت بهره‌برداری مترو فقط ۱۱ درصد به آن اختصاص یافته است.» او افزود: «اگر مترو در اولویت شهرداری بود، نباید تنها ۱۱ درصد بودجه تخصیص می‌یافت. اورهال واگن‌ها نیاز به بودجه دارد. شهرداری مدعی است که واگن خریداری کرده اما آقای تشکری اعلام کرد که هیچ قراردادی در این خصوص بسته نشده است. این چه اولویتی است؟ ما معترض هستیم. در تمام این مدت، (سال گذشته و اسما)ل در خصوص تخصیص بودجه به حوزه مترو معترض بودیم و معتقدیم شهرداری به مصوبه شورای شهر عمل نکرده است. قرار بود ماهانه یک‌دوازدهم بودجه مربوط به حمل و نقل واگذار شود که این اجرا نشده است.» امانی در پاسخ به این سوال که شورای شهر تهران چه تصمیمی برای شرایط کنونی مترو و اعتراض مردم به این شرایط گرفته است؟ گفت: «آقای تشکری گزارشی آماده کرده که در صحن شورای شهر مطرح شود. در زمان مطرح شدن این گزارش حتما شهرداری را ملزم به جبران این شرایط می‌کنیم. به عنوان وظیفه‌نظارتی باید شهرداری را ملزم کنیم که بودجه مصوب شورای شهر تهران را به مترو واگذار کند و مترو را در اولویت قرار دهد. اگر لازم شد حتماً شهردار را به صحن فرامی‌خوانیم تا درباره اتفاقات اخیر توضیح دهد.»



پزشکیان: تورم را دولت ایجاد می‌کند؛ عامل گرانی دولت است!

نگاه کارشناس

ایران و روسیه، از اسپرینگ رایس تا ناصر قنديل

ظریف در همان ویدئوی پیوست نوشتار ناصر قنديل، نقل قولی را از او به نقل از شهید سلیمانی در سرفش بر روسیه و دیدار با پوتین برای جلب همکاری او در سوریه بیان می‌کند. ظریف از ناصر قنديل نقل می‌کند که پوتین گفته بود همکاری ما در سوریه ممکن است به از بین رفتن برجام منجر شود. همین گفته را ناصر قنديل در نوشتارش عیناً می‌آورد که نشان می‌دهد نقل قول درست است. نکته‌ای که قنديل به آن توجه ندارد یا به اشتباه برایش ترجمه شده است، ادامه سخنان ظریف است که می‌گوید: «تحلیل» من از این گفته شهید سلیمانی از پوتین این بود که روس‌ها در پی از بین بردن برجام هستند. حالا این تحلیل ظریف چقدر درست یا نادرست‌باشد، موضوع دیگری است. پس تا اینجا سیماشی ناصر قنديل به‌کلی رد می‌شود. اما نکته‌ای که هست؛ ظریف در خالی کردن دق دلی خود از روسیه، با استفاده از فن بازنشستگی که می‌داند تأثیر و پیامد دیپلماتیک در روابط دو کشور ندارد، به نگاه استراتژیک روسیه در روابطش با ایران می‌پردازد. او با تکیه بر چهل سال فعالیت دیپلماتیک خود و آشنایی عمیق با روسیه می‌گوید: «مسکو در روابطش با ایران دو خط قرمز دارد: ایران نباید با جهان به «روابط آرام» برسد و نباید به «درگیری» کشانده شود.» این گفته ظریف اما نه به چهل سال گذشته، که ریشه در تاریخ روابط روسیه با ایران دارد. این گفته او ما را به یاد نوشته‌های سر اسپرینگ رایس، وزیر مختار انگلستان در ایران در زمان انقلاب مشروطه و تحصن انقلابیون در سفارت بریتانیا (۱۹۰۸-۱۹۰۶) می‌اندازد. اسپرینگ رایس که دوست بسیار نزدیک سر ادوارد گری، وزیر خارجه افسانه‌ای بریتانیا هم بود، در کتاب «نامه‌های خصوصی» خود به ترحم جواد الشیخ‌الاسلامی می‌نویسد: «روسیه مانند پزشکی است که ایران را مانند بیماری می‌خواهد که نه بمیرد نه بهبود یابد.» اما حالا بیاییم روسیه امروز را بین گفته‌های ظریف، لاُروف و پوتین در نقل قولش از ناصر قنديل قضاوت کنیم. در یک داوری کلی باید بگوییم کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم. ایران دگر گشته است؛ روسیه هم دگر گشته است. منطقه و روابط بین الملل هم دیگرگون شده‌اند. ولادیمیر پوتین، در نقل قول ناصر قنديل که گفته بود همکاری روسیه با ایران در زمین سوریه ممکن است موجب عصبانیت آمریکا و ایجاد ضربه به برجام شود، به حال دیدیم که درست بود. چنان که همکاری ایران با روسیه در زمین اوکراین هم در نهایت به زیان برجام انجامید و خشم اروپاییان را چنان برانگیخت که هیچ پروایی در فعال ساختن مکانیسم ماشه و بازگرداندن همه قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل نداشتند. در این نگاه تاریخی، برجام در سرآغاز خود مغلوب همکاری ایران و روسیه در زمین سوریه‌شد؛ و در پایان خود پیه شرمساری همکاری ایران با روسیه در زمین اوکراین را بر تن خود مالید. اما لاُروف در سخنان ۲۱مهر خود جانب حرمت فرونگذاشت. او درباره انگیزه تیم مذاکره از پذیرش مکانیسم ماشه بیان می‌کند که «ایران هیچ قصد و غرضی برای نقض برجام نداشت و در نهایت این آمریکا بود که از برجام خارج شد و اروپا بود که نتوانست به تعهدات اقتصادی خود عمل کند.» حالا روسیه وظیفه‌ای بس مهم‌تر بر دوش دارد؛ وظیفه‌ای که می‌تواند در شرایط تغییر یافته منطقه و دنیا، نگاه تاریخی ایرانیان را برای همیشه نسبت به روسیه تغییر دهد. ایران در جنگ جهانی دوم، به‌رغم زخم‌هایش، پل پیروزی برای شوروی بود. اکنون و در این زمانه‌ی خاص، آیا روسیه پوتین و لاُروف می‌خواهد و می‌تواند پلی برای پیروزی و بالایش روابط ایران با جهان باشد؟

احمد عربانی



علی آهنگر

نویسنده و پژوهشگر تاریخ

دعواهای محمدجواد ظریف و سرگنی لاُروف سابقه‌ای به قدمت خدمات این دو دیپلمات کلرکشته در سازمان ملل دارد. هر دو از کهنه‌کاران روابط بین‌الملل هستند و از معدود کسانی هستند که بر پیچ و خم سازوکارهای حقوقی سازمان ملل متحد اشرفی مثال‌زدنی دارند. همین کهنه‌کاری در سیاست و روابط دیپلماتیک هم‌زمانه‌ای فراهم می‌کرد تا هیچ‌گاه بر سر هیچ مسئله‌ای به‌راحتی به توافق نرسند؛ یا به عبارت دیگر، دچار اختلاف و بگو‌مگو و کل کل باشند. این بار اما آتش اختلاف را سرگنی لاُروف برافروخت. او از خانه‌نشینی ظریف شاید سود جست تا کمی تلافی آن بگو‌مگوهای پیشین را درآورد؛ اما جانب انصاف را نیز فرونگذاشت. چیزی که هست این بخش از فرونگذاشتن جانب انصاف از سوی لاُروف در ایران کمتر دیده شد. لاُروف در حاشیه نشست عرب‌روسیه در مسکو در ۲۱مهر ۱۴۰۴ در پاسخ به خبرنگاران عرب، مکانیسم ماشه در برجام را ایده ظریف دانست. به گفته لاُروف که دوپچه وله و دیگر رسانه‌ها آن را منتشر کردند، بند مکانیسم ماشه در برجام که یک «تله حقوقی» علیه ایران محسوب می‌شد، در مرحله پایانی مذاکرات، مستقیماً میان ظریف و کری توافق شد. وزیر خارجه روسیه در ادامه گفت: «راستش را بخواهید، ما از این موضوع (توافق ظریف و کری بر سر مکانیسم ماشه) شگفت‌زده شدیم. اما وقتی که شرکای ایرانی ما این فرمول‌بندی را پذیرفتند، ما هم دلیلی برای اعتراض نداشتیم.» بخش منصفانه گفته لاُروف که در ایران مورد توجه قرار نگرفت، اینجاست که درباره انگیزه ظریف در پذیرش مکانیسم ماشه، گفت: ایران قصد و غرضی برای نقض بر نداشت و «در عمل هم، ایران توافقی را نقض نکرد، بلکه ایالات متحده از آن خارج شد و اروپایی‌ها هم تعهدات خود را انجام ندادند.» در ایران پخش سخنان لاُروف کافی بود تا آتشبارهای مخالف علیه برجام و ظریف به غرش درآید. بنابراین ظریف هم خود را موظف به پاسخ دید. او پنبخشینه ۲۴مهر ۱۴۰۴ در هشتمین گردهمایی پاران‌دانش آموختگان دانشگاه تبریز، وقت را غنیمت شمرد و توپخانه خاموش شده‌اش را علیه لاُروف و روسیه به کار انداخت. او ضمن تکذیب گفته‌های لاُروف مبنی بر اینکه مکانیسم ماشه مخلوق لحظه‌های آخر گفت‌وگوهای برجام بین جان کری و او بود (که مصاحبه‌ی اخیر علی لاریجانی هم آن را تأیید می‌کند) لوله‌ی آتشبار یک دیپلمات بازنشسته را به کل روسیه و رویکرد این کشور به برجام و ایران گرفت. او در مورد رویکرد اصلی روسیه به برجام به نقل قولی از ناصر قنديل، سردیر نشریه لبنانی البناء و عضو پیشین پارلمان لبنان اشاره کرد: نقل قولی که سردیر لبنانی را به‌شدت عصبانی کرد. آن چنان عصبانی که عنان از کف داد و جانب حرمت فروگذاشت و تقریباً هر چه از دهانش بیرون آمد، در صفحه خود در شبکه اجتماعی، نثار جواد ظریف کرد. اما چون به آن ویدئوی گفته‌های ظریف که ناصر قنديل خودش به آن استناد کرده، نیک گوش فراهمیم، خیلی زود در می‌یابیم که مجموعه عصبانیت ناصر قنديل از گفته‌های ظریف ناشی از درست گوش ندان به سخنان او یا ترجمه اشتباه آن بود.